

بررسی چرایی و چگونگی آموزش فضیلت فکری در درس منطق

صادق میراحمدی*

چکیده

در هر متن دست کم سه لایه معنایی مفردات (ماده)، ساختارهای نحوی زبان (صورت) و اغراض تکلم، فهم‌پذیر است. مقاله پیش‌رو، به بررسی چستی قضیه با توجه به ضلع سوم، یعنی «غرض تکلم» پرداخته است. غرض تکلم عبارت است امری که می‌تواند هدف متکلم از بیان یک جمله باشد. ساختارهای نحوی، یکی از امکانات زبانی در خدمت متکلم بوده و ممکن است یک ساختار نحوی مانند جمله خبری برای اغراضی متناظر مانند خبر یا غیرمتناظر مانند امر، استفاده شوند. جمله خبری در سطح دال، موضوع علم نحو است. در مقابل، جمله خبری در سطح مدلول عبارت است از تصور چند معنای مرتبط همراه با ادعای تحقق آن ارتباط در عالم واقع. قضیه عبارت است از جمله خبری در سطح مدلول، به شرطی که غرض از آن، خبر باشد. بنابراین، جمله خبری در سطح دال که به لایه معنای نحوی مربوط است، بدون توجه به غرض تکلم، نه خبر است و نه انشاء و در نتیجه، بدون قرینه دال بر غرض، جمله خبری صرفاً مقتضی خبر بودن است. منطق دانان دو دیدگاه در تعریف منطق دارند. تعریف اول با محوریت صدق و کذب و تعریف دوم با محوریت ایقاع و انتزاع است. تعریف اول، تعریف به لازم است. تعریف دوم براساس هیئت قضیه در لایه معنای نحوی است و در نتیجه، در مواردی که غرض از هیئت جمله خبری، انشاء باشد، مانع اغیار نیست.

کلیدواژه‌ها

انشاء، خبر، قضیه، غرض تکلم، معنا.

مقدمه

فضیلت‌های فکری^۱ که فیلسوفان مطرح کرده‌اند، نقش برجسته‌ای در تاریخ آرمان‌های آموزشی دارد. پیشینه طرح این مبحث به ارسطو^۲ برمی‌گردد (ارسطو، ۱۳۸۱، ص ۸۶). فیلسوفان بعد از ارسطو توجه چندانی به فضایل فکری نداشته‌اند و این دیدگاه مورد استقبال قرار نگرفته است. تا اینکه در دهه‌های اخیر ارنست سوسا^۳ و لیندا زاگزبسکی^۴ دوباره بحث درباره فضایل فکری را مطرح کرده و رویکرد نوینی را در معرفت‌شناسی معاصر با عنوان معرفت‌شناسی فضیلت^۵ پی‌افکنند. کاربرد معرفت‌شناسی فضیلت در حوزه‌های دیگر معرفتی همچون سیاست، اقتصاد، کلام، محیط‌زیست و پزشکی در آغاز کار است. یکی از حوزه‌هایی که فضایل فکری در آن بسیار کم به کار رفته و در آغاز راه است، منطق است. در واقع معرفت‌شناسی فضیلت که بر نقش فضایل فکری در حیات فکری ما تکیه و تأکید می‌کند استلزامات و مقتضیاتی دارد که می‌تواند در بحث‌های آموزشی به صورت کلی و در درس منطق به صورت خاص به کار گرفته شود. در این مقاله به دنبال این هستیم که توجه استادان و دانشجویان درس منطق قدیم (ارسطویی یا صوری) را به سمت وسوی فضیلت فکری جلب کنیم. از آنجا که هدف اصلی رویکرد رایج در آموزش منطق چیزی جز پیشرفت در مهارت‌هایی چون تعریف، استدلال و سرانجام دستیابی به حقیقت نیست، به کارگیری این رویکرد گام بسیار مهمی در تحقق این هدف خواهد بود.

معرفت‌شناسی فضیلت یکی از پررونق‌ترین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در معرفت‌شناسی معاصر است. ارنست سوسا در اثر کرجی و هرم، نخستین بار نظریه مفهوم فضیلت فکری را در معرفت‌شناسی معاصر به کار برده است (۱۹۸۰) و در کتاب *معرفت‌شناسی از منظر* به بسط این نظریه پرداخت (۱۹۹۱). لیندا زاگزبسکی در کتاب *فضایل ذهن* (۱۹۹۶)، هتر

1. intellectual virtue
2. aristotel
3. Ernest sosa
4. linda zagzebski
5. virtue epistemology

باتلی^۱ در کتاب فضیلت رویکردی معرفت‌شناختی و اخلاقی (۱۳۹۷)، رابرتز و وود^۲ در کتاب فضایل فکری (۲۰۰۷) جیسون بائر^۳ در کتاب ذهن پژوهشگر؛ بررسی فضایل فکری و معرفت‌شناسی (۲۰۱۱) به معرفی ابعاد فضایل فکری پرداخته‌اند. بائر در سال ۲۰۱۶ کتابی را درباره نقش فضایل فکری در فرایند آموزش و یادگیری ویراستاری کرده که مشتمل بر مجموعه مقالاتی است که هر یک از آن‌ها را معرفت‌شناسان فضیلت و فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر نگاشته و امکان استفاده از فضایل فکری در امر آموزش را مورد تحلیل و ارزیابی انتقادی قرار داده‌اند. بیرلی^۴ در کتاب منطق و تفکر نقادانه: مهارت برهان‌آوری و فضیلت پرسشگری (۲۰۱۷) و در مقاله آموزش فضایل فکری در منطق و تفکر انتقادی: چرا و چگونه (۲۰۱۹)، پیشنهاد بحث درباره فضایل فکری در منطق را مطرح کرده است و فنونی را هم برای آموزش آن معرفی کرده است. کینگ^۵ کتاب ذهن برتر (۲۰۲۱) را نگاشته است. وی در این کتاب کوشیده است با ادبیاتی روان و مثال‌های فراوان به توضیح فضیلت‌های فکری بپردازد. نگارنده مقاله‌ای با عنوان بررسی اهمیت فضایل فکری در آموزش و چگونگی اکتساب آن‌ها نگاشته که در آن ضرورت بحث درباره فضایل فکری در مباحث آموزشی به صورت کلی و راهکارهای چهارگانه برای پرورش آن‌ها مطرح شده است (میراحمدی، ۱۴۰۰). از آنجا که درباره چرایی و چگونگی آموزش فضیلت فکری در کلاس‌های منطق هیچ‌گونه تحقیق و بررسی به زبان فارسی نیز انجام نشده، پژوهش درباره این موضوع می‌تواند ضمن آشکار کردن زوایای این مبحث، این هدف را نیز محقق کند. همچنین نتایج این تحقیق می‌تواند در منطق، فلسفه، معرفت‌شناسی فضیلت، فلسفه تربیت و مباحث آموزشی کاربرد مفیدی داشته باشد.

1. Heather Battaly
2. Roberts & wood
3. Jason Baher
4. Byerly
5. King

روش این پژوهش توصیفی و تحلیل محتواست و کوشش شده مهم‌ترین کتاب‌هایی که به‌عنوان منابع درس منطق در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شوند و مهم‌ترین کتاب‌ها و مقالاتی را که درباره معرفت‌شناسی فضیلت و فضایل فکری نگاشته شده‌اند، بررسی و مطالب گردآوری شده با توجه به مسئله و هدف تحقیق مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. از آنجا که هدف از نگارش این مقاله بررسی چرایی و چگونگی آموزش فضایل فکری در کلاس درس منطق است، لازم است نخست مهم‌ترین منابع رایج در کلاس‌های منطق را معرفی کنیم و مفهوم فضیلت فکری و معرفت‌شناسی فضیلت را توضیح دهیم؛ سپس به بررسی اصلی‌ترین پرسش این مقاله که چرا باید در کلاس‌های درس منطق، فضایل فکری را آموزش داد و چگونه می‌توان این کار را انجام داد پردازیم.

۱. منابع کلاس‌های درس منطق

منظور از کلاس‌های منطق در این مقاله، کلاس‌های منطق قدیم دوران کارشناسی است که در کشور ایران در رشته‌های فلسفه، الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌شود. منابعی که برای درس منطق معرفی می‌شوند عبارت‌اند از:

۱. اصلی‌ترین منابع درس منطق، کتاب *المنطق* اثر مرحوم مظفر است. این کتاب مشتمل بر شش باب و یک مقدمه است. باب اول مباحث الفاظ، باب دوم مباحث کلی، باب سوم تعریف و تقسیم، باب چهارم قضایا و احکام آن، باب پنجم حجت و هیأت تألیف آن یا مباحث استدلال و باب ششم صناعات خمس است. ترجمه و شرح‌های زیادی از این اثر به زبان فارسی در دست است که مهم‌ترین آن‌ها ترجمه و اضافات علی شیروانی است که در دو جلد توسط انتشارات دارالعلم در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید. محمود معتمدی و محسن غروی‌ان نیز در سال ۱۳۸۷ ترجمه و شرح روانی از این اثر در انتشارات دارالفکر به چاپ رساندند.

۲. کتاب *منطق* صوری اثر دکتر محمد خوانساری نیز از مهم‌ترین منابع درس منطق است. این کتاب به دو صورت چاپ شده است؛ یکی دوره مفصل که دو جلدی است. جلد اول مشتمل بر

سه بخش مقدمات، الفاظ و تصورات است. جلد دوم مشتمل بر سه بخش قضایا، حجت یا استدلال و قیاس از نظر ماده است که توسط انتشارات آگاه به چاپ رسیده است (۱۳۸۸). صورت دیگر این کتاب دوره مختصر منطق صوری که شامل همین شش مبحث است ولی به صورت مختصر و خلاصه بیان شده و انتشارات دانشگاه تهران آن را به چاپ رسانده است (۱۳۹۱).

۳. منبع دیگر، کتاب مبانی منطق تألیف محمدعلی اژه‌ای است که توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هشت فصل است. مقدمه شامل پیشینه مختصری از علم منطق است؛ در فصل اول، تعریف، فایده و موضوع علم منطق؛ در فصل دوم مبحث الفاظ؛ در فصل سوم مبحث مفاهیم و محمولات؛ در فصل چهارم مبحث تعاریفات؛ در فصل پنجم مبحث قضایا و اقسام آن، در فصل ششم مبحث استدلال - قیاس؛ در فصل هفتم مبحث استدلال - قیاس استثنایی و در فصل هشتم مبحث صناعات خمس مطرح شده است.

۴. کتاب منطق تألیف استاد محمود منتظری مقدم، یکی از روان‌ترین کتاب‌های تألیفی در این زمینه است و مباحث و مقدمات علم منطق را به صورت کاملاً ساده و با بیانی شیوا و رسا بیان کرده است. این کتاب توسط انتشارات حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۵ در دو جلد چاپ شده است. جلد اول آن مشتمل بر سه بخش مقدمات، منطق تصورات و منطق تصدیقات است و در جلد دوم مباحث جلد اول به صورت کامل‌تر و گسترده‌تر همراه با مثال‌ها و تمرین‌های گوناگون و متعدد بیان شده است.

۵. یکی دیگر از منابع، کتاب منطق کاربردی اثر علی‌اصغر خندان است که نخستین بار در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است. این کتاب مشتمل بر چهار فصل منطق و تفکر، تفکر در حوزه تصورات، تفکر در حوزه تصدیقات و مغالطات است که مبحث مغالطات مهم‌ترین بخش این اثر را به لحاظ کیفی و کمی دربرمی‌گیرد.

هرچند کتاب‌ها گوناگون هستند، اما اغلب آن‌ها (جز کتاب منطق کاربردی که در آن با نگاه کاربردی به مباحث منطقی پرداخته و مبحث مغالطات مهم‌ترین بخش این اثر است)، محتوای یکسانی دارند و تفاوت آن‌ها بیشتر در زمینه اجمال و تفصیل و طرز بیان است. این محتوا شامل دو

بخش تعریف و استدلال است و بیشتر مباحث درباره استدلال قیاسی است؛ به گونه‌ای که می‌توان اغلب مباحث منطقی را که در این آثار بیان می‌شوند، مقدمه‌ای برای طرح این مبحث دانست.

۲. چیستی معرفت‌شناسی فضیلت و فضیلت فکری

یکی از ویژگی‌های اصلی انسان میل به دانستن است. پژوهش‌های فلسفی درباره مفهوم دانستن و جست‌وجوی روش‌ها و راه‌های صحیح برای دستیابی به حقیقت و سخنان صحیح را معرفت‌شناسی می‌گویند. عامل پیوند ما و جهان، معرفت است (zagzebski, 2009, p1). معرفت حالت خوبی است؛ به همین دلیل ما انسان‌ها همواره در حال پرس‌وجو و جست‌وجو هستیم و دوست داریم آن را داشته باشیم. داشتن معرفت یکی از لذت‌های بزرگ در زندگی هر انسانی است (zagzebski, 1996, p1). تلاش‌های ما برای دستیابی به معرفت ممکن است به خوبی پیش رود یا کند و ضعیف باشد. گاهی مواقع عوامل مکانیکی باعث این تفاوت‌ها می‌شود؛ زمانی که کسی در دستیابی به حقیقت ناکام می‌ماند، ممکن است به دلیل یک قوه شناختی معیوب باشد؛ برای نمونه، بینایی ضعیف، شنوایی ضعیف یا حافظه ضعیف باعث می‌شود انسان به حقیقت دست نیابد. با وجود این موفقیت یا شکست یک تحقیق و پرس‌وجو، اغلب منشأ شخصی دارد. دلیل این امر این است که پژوهش داری ابعاد فعال قوی است. این شامل مشاهده، تخیل، خواندن، تفسیر، تأمل، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، فرمول‌بندی و بیان است. موفقیت در این زمینه‌ها به سختی با حافظه، قوه شنوایی و دید خوب امکان‌پذیر است، بلکه نیازمند به تمرین و ویژگی‌های منشی فکری خاصی دارد. در اینجا فضایی همچون کنجکاوی، دقت، انصاف فکری، شکیبایی فکری، صداقت فکری، شجاعت فکری و فروتنی فکری ظهور خواهد کرد (baehr, 2011, p2). منظور از فضایل فکری - آن منش‌هایی که باعث معرفت خوب می‌شود - همان اموری هستند که ارسطو آن‌ها را فضایل فکری نامید و امروزه با عنوان فضایل شناختی یا معرفتی، شناخته می‌شوند. نظریه‌های معرفت‌شناسی که بر فضایل فکری تأکید می‌کنند معرفت‌شناسی فضیلت نام دارند. در واقع معرفت‌شناسی فضیلت به بررسی و تحلیل ویژگی‌های

منشی صاحبان باور می‌پردازد. در معرفت‌شناسی فضیلت، ارزیابی باور، توجیه و معرفت بر اساس فضایل فکری انجام می‌گیرد (Wright, 2009, p93). در واقع ویژگی اصلی این رویکرد تکیه بر منش و ویژگی‌های عامل معرفتی است که در اصطلاح فضایل فکری نامیده می‌شوند. فرایندها و عادت‌هایی که عواطف و امیال ما را مدیریت می‌کنند، فضایل اخلاقی و فضایل و عادت‌هایی که به شکل‌گیری باور می‌انجامند، فضایل فکری نام دارند (Zagzebski, 1996, p56).

دو رویکرد اصلی در نظریه معرفت‌شناسی فضیلت وجود دارد؛ یکی اعتماد‌گرایی فضیلت^۱ که بر ویژگی‌های ادراکی و استنتاجی عامل در جهت دستیابی به حقیقت تأکید می‌کند. آن‌ها فضایل فکری را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که دربرگیرنده قوای ذهنی همچون ادراک، درون‌نگری و حافظه می‌شود (Greco, 2002: p287; Goldman, 2001, p157-158) و بر این باورند که قوای ذهنی همان فضایل فکری هستند (Sosa, 1991, p189). دیگری مسئولیت‌گرایی فضیلت^۲ که فضایل فکری را ویژگی‌های منشی می‌دانند. در واقع آن‌ها فضایل فکری را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که شامل ویژگی‌های منشی افراد همچون کنجکاوی، گشودگی ذهنی، شجاعت فکری، استقامت فکری و تواضع فکری است (Code, 1987, p50-51; Zagzebski, 1996, p137). از آنجا که قوای ذهنی اکتسابی نیستند، در این مقاله به بررسی آن‌ها نمی‌پردازیم، بلکه تنها به شرح مختصر مهم‌ترین فضایل فکری که اکتسابی هستند و لازم است در کلاس‌های درس منطق در نظر گرفته شوند، می‌پردازیم.

کنجکاوی: تمایل به شناخت چیزها و موضوعات است؛ حتی اگر این شناخت به صورت بالفعل و سریع مورد استفاده فرد قرار نگیرد و وی نداند با این آگاهی چه می‌تواند بکند (قاضی مرادی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۶). پرورش این فضیلت از وظایف اصلی نظام‌های آموزشی است. کنجکاوی با پرسیدن درباره اینکه چرا اشیا و امور این گونه هستند، مرتبط است. این فضیلت افق‌های معرفتی جدیدی را فراروی انسان‌های کنجکاو که هدفشان اکتساب حقیقت است، قرار می‌دهد.

-
1. virtue reliabilism
 2. Virtue responsibilism

گشودگی ذهنی: گشوده‌ذهن کسی است که ذهنش در برابر حقیقت، حتی در برابر ایده‌ها و استدلال‌های مخالف، باز و انعطاف‌پذیر است. وی درحالی‌که دغدغه رسیدن به صدق را دارد همواره اندیشه‌های بدیل را به صورت دقیق و مناسب مورد ارزیابی قرار می‌دهد و آماده پذیرش اندیشه‌های نو و درست است و گزینه‌هایی را که احتمال صدق آن‌ها می‌رود نادیده نمی‌گیرد. گشوده‌ذهن بودن لزوماً باورهای شخص را تغییر نمی‌دهد، بلکه منظر وی را گسترده‌تر می‌کند. آن‌ها تا زمانی که استدلال‌ها و شواهد را مورد بررسی قرار ندادند، قضاوت نمی‌کنند. کسانی که از این فضیلت برخوردارند، از آنجا که انگیزه دستیابی به حقیقت را دارند، نسبت به کسانی که از این فضیلت بی‌بهره هستند، احتمال بیشتری برای رسیدن به معرفت دارند (ر.ک: خداپرست، ۱۳۹۷، ص ۳۳۸؛ میراحمدی، ۱۴۰۰، ص ۶۶).

شجاعت فکری: که در مقابل رذیلت‌های بزدلی فکری و بی‌باکی فکری قرار دارد عبارت است از تمایل به پایداری و استوار بودن در حالت و یا عملی که خیر معرفتی را در مقابل دارد؛ درحالی‌که انجام این کار احتمالاً تهدید و خطری را متوجه خود فرد می‌کند (Baehr, 2011, p177). کسی که از شجاعت عقلانی برخوردار است، انگیزه رسیدن به حقیقت را دارد و در مسیر کشف حقیقت، تمایل به پذیرش تهدیدات و خطرهای آن دارد و از پیامدهای آن ترسی ندارد.

تواضع فکری: تواضع فکری به‌عنوان تمایلی برای ردیابی دقیق اینکه آیا انسان باید برخی باورها را دانش بداند یا نه، درک می‌شود. همچنین نباید اعتماد بیش از حد به باورهای خود داشته باشیم، اما زمانی که باید آن‌ها را محکم نگه داریم، نباید به صورت سرسری به آن‌ها باور داشته باشیم، بلکه بر درست بودن آن‌ها استوار باشیم (Barrett, 2017, P1-2)؛ یعنی تواضع فکری حد وسط بین دو رذیلت است. فردی که متکبر فکری است، از تواضع فکری بی‌بهره است. کسی هم که از اعتماد به نفس فکری کافی برخوردار نیست و پیوسته خود را تحقیر می‌کند نیز از تواضع فکری بی‌بهره است. درواقع تواضع فکری فضیلتی است که دربرگیرنده تمایلاتی همچون احترام به توانایی‌ها و دستاوردهای دیگران، تمایل به پذیرش انتقادهای درست نسبت به اعمال و افکار خود و تمایل به گوش دادن محترمانه به نظرات دیگران است.

انسانی که از تواضع فکری برخوردار است، با علم به ویژگی‌هایی که در خود بزرگ‌بینی‌های فکری است، با آن‌ها مخالف است. در واقع کسی که از تواضع فکری برخوردار است، آمادگی پذیرش دیدگاه‌های متفاوت از دیدگاه خود را دارد و به تغییر باورهای خود در صورت لزوم، تمایل دارد. همچنین تمایل دارد که درباره درستی باورهای خود بیشتر بداند.

استقلال فکری: فضیلت فکری دیگر، استقلال است. جان بنسون^۱ استقلال را به گونه‌ای تعریف می‌کند که آن را هم فضیلتی فکری و هم فضیلتی اخلاقی در نظر می‌گیرد: «فضیلت استقلال ویژگی منشی همراه با اعتماد به قدرت خود در عمل کردن، انتخاب کردن و شکل‌گیری عقاید است» (Benson, 1987, p205). او استدلال می‌کند که معنای استقلال در اندیشه اخلاقی، موازی با اندیشه فکری است؛ درباره مثال نخست انسان به آنچه باید انجام دهد و در مورد دوم به آنچه درست است، می‌پردازد. انسانی که از فضیلت استقلال فکری برخوردار است، توانایی شناخت حقیقت را دارد و در باورها و اعتقادات خود مستقل است.

همدلی فکری: عبارت از قرار دادن خود در موقعیت دیگران، برای درک صادقانه دیدگاه آنان است. کسی که از همدلی فکری برخوردار است، این توانایی را دارد که دیدگاه‌ها و دلایل دیگران را بازسازی کند و می‌تواند با استفاده از مقدمات، مفروضات و ایده‌هایی غیر از ایده‌های خود، استدلال کند (الدر و پل، ۱۳۹۹، ص ۳۷ و ۱۳۹۸، ص ۸۳).

البته این نکته را باید در نظر داشته باشیم که این فضایل وابستگی متقابلی به یکدیگر دارند؛ بسیار دشوار است که بخواهیم یکی از آن‌ها را بدون دیگری در خود رشد دهیم؛ برای نمونه، فضیلت فروتنی فکری را در نظر بگیرید. برای آنکه از محدودیت‌های معرفتی خود آگاه باشیم، نیاز به شجاعت فکری داریم تا با پیش‌داوری‌ها و ناآگاهی‌های خود روبه‌رو شویم. برای کشف پیش‌داوری‌ها نیازمند به پشتکار فکری هستیم تا استدلال‌های ناسازگار را کشف کنیم. برای این منظور نیز نیاز به همدلی فکری داریم تا دیدگاهی را که دیرزمانی با آن مخالف بودیم یاد

بگیریم. این تلاش نیز موجه به نظر نمی‌رسد، مگر آنکه اعتماد فکری به عقل خود داشته باشیم که در تشخیص امور درست از نادرست تواناست. افزون‌براین، ما باید انگیزه دستیابی به حقیقت را داشته باشیم و به صورت منصفانه‌ای به ارزیابی دیدگاه‌ها پردازیم. ما به لحاظ معرفتی و اخلاقی مسئول هستیم که نظریه‌هایی که آن‌ها را ناسازگار و ناپذیرفتنی می‌دانیم، به صورت منصفانه ارزیابی کنیم (Paul, 2000, p170).

۳. ضرورت آموزش فضیلت فکری در کلاس منطق

برای آنکه به اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث فضیلت فکری در کلاس‌های درس منطق پی ببریم، لازم است به نکات زیر توجه کنیم:

الف) بیش از صد تعریف از منطق ارائه شده است ولی مسئله اصلی در تمام این تعاریف، طبقه‌بندی استدلال و تشخیص استدلال‌های درست از نادرست است (نبوی، ۱۳۸۴، ص ۳). در واقع مقصود اصلی عالم منطق، بحث استدلال است (مظفر، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵). ما در استدلال‌های خود برای مخاطبان خویش دلیل می‌آوریم تا ادعای خود را برای آن‌ها اثبات کنیم. «منطق یعنی بررسی این که چه چیزی برای چه چیزی دلیل خوبی محسوب می‌شود و چرا» (پریست، ۱۳۹۸، ص ۱۷). استدلال عبارت است از رفتن از قضیه معلوم به سوی قضیه مجهول و به سه قسم قیاس، استقراء و تمثیل تقسیم می‌شود (خوانساری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶). بنابراین منطق علمی است که قواعد استدلال درست و نادرست را بررسی می‌کند.

ادبیات فضیلت فکری توصیف مناسبی برای تحقق این امر فراهم می‌آورند؛ برای نمونه، ما از یک آموزش خوب انتظار داریم به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کند تا پرسش‌های خوبی را مطرح کنند (کنجکاوی)، دیدگاه‌های بدیل را در نظر بگیرد (گشوده‌ذهنی)، به جزئیات مهم توجه کند (دقت فکری)، خطرهای فکری کند (شجاعت فکری) و بر دیدگاه‌هایی که دلایل معتبر در تأیید آن‌ها دارند و مورد چالش واقع می‌شوند ایستادگی کنند (ایستادگی فکری). همچنین فضایل فکری روش معقولی را فراهم می‌آورند تا اهداف آموزشی همچون «دوستار

دانستن»، «یادگیری دائمی» و «تفکر انتقادی» به تفصیل و به صورت عمیق توضیح داده شوند؛ بنابراین معرفت‌شناسی فضیلت برخی از اهداف مهم آموزش منطق را برآورده می‌سازد (Baehr, 2016, p4). در واقع فضایل فکری مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف آموزش در برنامه‌های درسی به صورت کلی و درس منطق به صورت خاص است؛ حتی در یک کسب و کار، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که از فضایل فکری برخوردارند همواره کارمندانی با عملکرد بهتر نسبت به دیگر کارمندان هستند و جایگاه شغلی آنان نیز بهتر است. در نتیجه هر دو عامل نظری و عملی در کلاس‌های آکادمیک منطق به دانشجویان در بهبود و ارتقای عملکرد خود در یادگیری آن نقش بلامنازعی دارند. اگر دانشجویان در امور آموزشی به طور جامع و کاملی در مسیر درست یادگیری قرار گرفته و به انجام فعالیت‌هایی گرد چارچوب تفکر پردازند می‌توانند مهارت‌های استدلال قیاسی و استقرایی را به خوبی بیاموزند و آن را در مباحثاتشان و حتی در زندگی پیاده کنند. به همگی این امور نیز می‌توان دست یافت و راهکار آن چیزی جز به کارگیری رویکرد فضایل فکری و تفکر انتقادی نیست (Byerly, 2019, p12).

ب) منطق ابزاری قانونی است که به کار بردن آن باعث می‌شود ذهن از خطای در اندیشه محفوظ بماند (مظفر ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹؛ خوانساری، ۱۳۹۱، ص ۱۵). جلوگیری از خطا در اندیشه و روش‌های پیشگیری و درمان آن از مهم‌ترین عوامل پیدایش منطق و مطالعه این علم است. کسانی که به آموختن قواعد منطقی و مهارت‌های آن همت می‌گمارند به دنبال تحقق این اهداف هستند. مسئله قابل توجه این است که اغلب کسانی که دانش آموخته منطق هستند بر این باورند که مطالعه منطق این امر را محقق نمی‌کند. از همین روست که در دهه‌های اخیر منطق کاربردی رواج یافته است. براساس رایج‌ترین تصور از منطق کاربردی که «مهندسی فکر» نامیده می‌شود، بر مهارت‌های فردی برای رسیدن به تفکر اثربخش تأکید می‌شود. براساس این رویکرد به ابزارهایی بیش از قواعد منطقی و تمرین نیازمندیم و صرف آگاهی از قواعد منطقی باعث دستیابی به این هدف نیست و به دانش‌هایی فراتر از منطق نیازمند هستیم (خندان، ۱۳۹۱، ص ۱-۵). از مهم‌ترین این دانش‌ها، تفکر انتقادی و معرفت‌شناسی فضیلت و فضایل فکری است.

در صورت به کارگیری این رویکرد جدید، عملکرد بهتری از دانشجویان در فرایند یادگیری در کلاس‌های منطق را خواهیم دید. فیلسوفان و نظریه پردازان حوزه آموزش همگی هم‌داستان هستند که تفکر نقادانه از دو عنصر متفاوت حاصل می‌شود: ۱. عنصر مهارت؛ ۲. عنصر چارچوب تفکر (Byerly, 2019, p9)؛ درحالی که عنصر مهارت اختصاصاً همان مهارت‌هایی را شامل می‌شود که در رویکرد متعارف تعریف شده است، از جمله مهارت ارزیابی کردن و استنتاج مباحث. اما مؤلفه‌هایی که عموماً به عنوان چارچوب تفکر نقادانه شناخته می‌شوند، به طرز چشمگیری با فضایل فکری هم‌پوشانی دارند. کلاس‌های منطق و تفکر نقادانه که از رویکرد متعارف استفاده می‌کنند، احتمالاً عملکرد مناسبی - برای آموزش عناصر تفکر نقادانه - خواهند داشت، اما آن‌ها غالباً عنصر چارچوب تفکر را نادیده می‌گیرند. اگر فضایل فکری به دانشجویان آموزش داده شود - برای نمونه کسب ویژگی‌هایی همچون روشنفکری، هشیاری و گوش به زنگ بودن و محتاط بودن - در نتیجه عملکرد این کلاس‌ها در امر آموزش عنصر چارچوب تفکر منتقدانه بی‌گمان بهتر خواهد بود (Byerly, 2019, p9). اگر صرفاً نگاه ابزاری به منطق داشته باشیم، دانشجویان ما آسیب‌های جدی می‌بینند؛ زیرا این مهارت‌ها و آموزه‌ها نقش چندانی در رشد و شکوفایی آن‌ها نخواهند داشت. اما اگر در آموزش منطق از فضیلت‌های فکری استفاده کنیم که فی‌نفسه دارای ارزش هستند و آن‌ها را به دانشجویان آموزش دهیم، در این صورت کمک بیشتری به شکوفایی و رشد آن‌ها خواهد کرد.

ج) در اثنای به کارگیری فضایل فکری در کلاس‌های منطق، این کلاس‌ها به اهداف از پیش تعیین شده خود نسبت به مهارت‌هایی مانند ارزیابی و استنتاج مباحث آسان‌تر می‌رسند؛ زیرا وقتی این مهارت‌ها به همراه فضایل فکری - به صورت نمونه‌هایی آرمانی و جذاب - تدریس می‌شوند، سرانجام به افزایش انگیزه دانشجویان برای یادگیری مهارت‌ها می‌انجامد و به بهبود توانایی درونی دانشجویان برای به کارگیری آن‌ها کمک می‌کنند. تحقیقات بر روی انگیزه دانشجویان آشکار کرده است، هنگامی که دانشجویان به محتوای آموزشی کلاس‌هایشان به عنوان یک نمونه عالی و آرمانی و - صد البته جذاب - نگاه می‌کنند، انگیزه

درونی بیشتری جهت یادگیری آن دارند (pink,2009, p131). افزون‌براین، تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که انگیزه درونی به‌طور شگفت‌انگیزی خبر از چگونگی عملکرد افراد، خواه در کلاس و خواه در زندگی روزمره می‌دهد (Cerasoli & et-al, 2014). بنابراین اگر مهارت‌هایی که در رویکرد متعارف به آن‌ها تأکید می‌شوند به همراه فضایل فکری در کلاس‌های منطق و تفکر نقادانه به‌عنوان نمونه‌های جامع و جذاب تدریس شوند، دلیل سومی برای ارائه به‌وجود می‌آید که طبق آن، دانشجویان عملکرد بهتری در کسب این مهارت‌ها خواهند داشت (Byerly, 2019, p13). بنابراین دلایل قوی برای آموزش فضایل فکری در کلاس‌های منطق قدیم (صوری) وجود دارد و نادیده گرفتن آن‌ها باعث محروم ساختن دانشجویان از ابزارهای ارزشمند برای استدلال کردن و ارزیابی استدلال‌ها می‌شود.

۴. چگونگی آموزش فضیلت فکری

پس از آنکه ضرورت آموزش فضایل فکری در منطق را یافته‌ایم، اکنون با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که چگونه این رویکرد می‌تواند در کلاس‌های منطق اجرایی شود و با چه روشی می‌توان آن را در عمل نیز پیاده کرد. در این بخش به روش‌ها و منابع آموزشی که برای تدریس هرچه بهتر فضایل فکری به کار می‌روند اشاره کرده و به توضیح آن‌ها می‌پردازیم؛ سپس منابعی را برای اجرای این رویکرد پیشنهاد می‌دهیم.

۴-۱. روش‌های آموزش فضیلت فکری

ابتدا با روش‌های آموزشی وارد این بحث می‌شویم. درباره فنون آموزشی که استادان می‌توانند از آن‌ها در کلاس‌های خود برای تدریس آموزش فضایل فکری و رشد و پیشرفت دانشجویان خود در این کلاس‌ها به کار گیرند، سیاهه‌های بلندبالایی توسط پژوهشگران ارائه شده و برای بررسی کارایی آن‌ها تحقیقات تجربی و میدانی فراوانی نیز انجام شده است. ما نیز با بررسی این پژوهش‌ها، پنج مورد از مهم‌ترین و کارآمدترین‌شان را انتخاب کرده و به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

۴-۱-۱. یک روش مهم برای آموزش و پرورش فضیلت فکری این است که به صورت مستقیم مفهوم فضیلت فکری و فضایل و رذایل فکری آموزش داده شوند. آموزش فضایل فکری می‌تواند به ما یک چارچوب مفهومی یا واژگانی بدهد که در استدلال‌ها و استنتاج‌های منطقی از آن‌ها بهره ببریم. در واقع باید فضایل فکری بخشی از جعبه ابزار ذهنی ما باشد. اگر بخواهیم از آموزش فضایل فکری در کلاس درس منطبق بهره ببریم باید نخست بفهمیم که فضایل و رذایل فکری چیست‌اند تا در موقعیت‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم، آن‌ها را تشخیص دهیم. این امر گام مهمی در جهت اکتساب آن‌هاست؛ زیرا هدف ما را نیز روشن می‌کند (King, 2021, p261). در این روش، هدف از آموزش مفاهیم مرتبط با عنوان درس، یادگیری چِستی و ذات فضایل فکری بوده که سرانجام به القای احساس پیشرفت در دانشجویان می‌انجامد. در این روش، مفاهیم فضایل فکری توضیح داده شده و با عامل‌های مخالف خود، یعنی رذایل فکری مقایسه می‌شوند. همچنین مقالات و متون مرتبط در کلاس‌ها ارائه شده و در نهایت همه این موارد به بحث و ارزیابی گذاشته می‌شوند. خروجی حاصله از کلاس‌ها بدین قرار است که از دانشجویان انتظار می‌رود که خودشان بتوانند به بحث و توضیح درباره تعاریف هر یک از فضایل فکری بپردازند، ویژگی‌های کلیدی هر یک از آن‌ها را مشخص کنند و سرانجام نیز توانایی مقایسه فضایل و رذایل فکری با یکدیگر را داشته باشند. دانشجویانی که به این اهداف نزدیک شوند به مجموعه کاملی از تعاریف و اصطلاحات مربوط فضایل فکری در کلاس‌های منطبق دست خواهند یافت و آگاهانه می‌توانند این موارد را به دیگران توضیح و حتی در برخی از موارد آموزش دهند (Byerly, 2019, p16). بنابراین اگر کسی این کار را انجام دهد، گام مهمی در جهت اکتساب فضایل فکری برداشته است.

۴-۱-۲. روش دوم شامل استفاده از الگوهای انسانی است. یکی از عواملی که باعث رشد و تقویت فکری می‌شود، الگوهای اخلاقی و اقتدا به الگوهای مناسب در این زمینه است. شناخت الگوها باعث می‌شود واکنش مناسب‌تری داشته باشیم. داشتن الگوهای اخلاقی به این معناست که بخواهیم اشخاص خاصی شویم؛ بخواهیم فلان ویژگی منشی (برای نمونه، گشوده‌ذهنی) را

داشته باشیم. به همین دلیل است که استفاده از الگوهای اخلاقی همچون سقراط، نقش مهمی در تعلیم و تربیت اخلاقی و خودسازی داشته است و این امر یکی از دلایل مهم نوشتن و خواندن سرگذشت‌ها یا داستان‌ها و رزم‌نامه‌هایی است که در آن‌ها نمونه‌های شخصیت اخلاقی، حتی اگر قهرمان و یا قدیس هم نباشند، به تصویر کشیده شدند (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸-۱۴۹).

این الگوهای انسانی اشخاصی آراسته به نمونه‌های عالی فضایل فکری هستند؛ برای نمونه، افرادی که بسیار روشنفکر بوده یا افرادی که تصمیمات خود را نسبت به دیگر هم‌کیشان‌شان محتاط اما هوشیارانه می‌گیرند. به‌منظور معرفی این الگوهای انسانی گاهی استادان ملزم به حکایت حال و سرگذشت آن‌ها می‌شوند و سرانجام دانشجویان نیز به مطالعه و تماشای آنان می‌پردازند و فضایل فکری را شناسایی و ارزیابی می‌کنند (Byerly, 2019, p16). افلاطون براین‌باور بود که ما از کودکی باید به انگیزش‌ها و اعمال انسان‌های فضیلت‌مند تشبه بجویم و آن‌ها را الگوی خود قرار دهیم. وی در رساله جمهوری می‌گوید نگهبانان آینده را باید از طریق شبیه شدن به الگوهای فضیلت، تشویق کرد؛ زیرا شبیه شدن‌هایی که از کودکی در پیش گرفته می‌شوند، جزئی از ذات کودک شده و به عادت‌های رفتاری و گفتاری و فکری تبدیل می‌شوند (افلاطون، ۱۳۸۰، ص ۹۰۲).

ارسطو نیز براین‌باور است که فضیلت از طریق شبیه شدن به الگوهای فضیلت آموخته می‌شود. زاگزبسکی (zagzebski, 1996, p150-158) استدلال می‌کند که مراحل یادگیری فضایل عقلانی دقیقاً متناظر با مراحل یادگیری فضایل اخلاقی است که به‌وسیله ارسطو توصیف شده است. این مراحل با تقلید از اشخاص دارای فضیلت آغاز می‌شود، پس از انجام تمرین، احساسات و اعمال خاصی عادت می‌شوند. در هر دو مورد تقلید از شخصی است که دارای حکمت عملی است؛ برای نمونه، فضیلت شجاعت را در نظر بگیرید. انسان می‌تواند شجاعت را از راه تقلید از شخص شجاع به‌دست بیاورد. چنین تقلیدی نه‌تنها مستلزم آموزش احساس، بلکه مستلزم آموختن این است که چگونه موقعیت‌هایی را بشناسیم که در آن از لحاظ اخلاقی برای رویارویی با خطر، شجاعت ارزشمند است. معمولاً زمان‌هایی وجود دارد که شخص می‌داند

چه کاری باید انجام دهد، اما توانایی انجام آن کار را ندارد. ارسطو می‌گوید چنین شخصی از اکراسیا (ضعف اراده) رنج می‌برد. این شخص رفته‌رفته یاد می‌گیرد که بر این ضعف غلبه کند و بیش‌ازپیش در شرایط لازم قادر است که به‌صورت شجاعانه عمل کند نسبت به زمانی که این وسوسه شدید نیست. در چنین مرحله‌ای او به‌لحاظ عقلانی شخص خویشتن‌داری است؛ اما تنها پس از آنکه انجام این کار برای وی آسان شود و ضرورتی برای غلبه بر این وسوسه متضاد وجود نداشته باشد به‌درستی گفته می‌شود که او دارای فضیلت شجاعت است. وقتی او برای مدت طولانی شجاع بود، دیگر ممکن نیست که حتی با وسوسه متضاد روبه‌رو شود و سرانجام شجاعت را همچون فعالیتی خوشایند درک می‌کند. فضایل فکری همچون فضایل اخلاقی مرحله‌به‌مرحله پرورش می‌یابند. این مراحل با شبیه شدن به انسان‌های فضیلت‌مند آغاز می‌شوند و سپس با تکرار عمل و از طریق عادت به ملکه در شخص تبدیل می‌شوند؛ برای نمونه، فضیلت عقلانی گشودگی ذهنی را در نظر بگیرید. مرحله نخست برای دارا شدن این فضیلت عبارت است از اینکه اعمال و انگیزش‌های شخص گشوده‌ذهن در پیش گرفته شود. مرحله دوم بررسی دقیق اندیشه‌های بدیل است؛ اما فرد به دلیل انگیزش‌های ناسازگار، مثلاً انگیزش برای باور به آنچه پیشاپیش به آن اعتقاد دارد، از انجام دادن این کار بازمی‌ماند. در مرحله بعد است که این انگیزش‌های ناسازگار ضعیف می‌شوند و انگیزه دغدغه‌صدق به‌خاطر خود صدق بر آن‌ها غلبه می‌کند. براین اساس شخص موفق می‌شود اندیشه‌های بدیل را به‌درستی بررسی کند. در مرحله آخر فاعل فضیلت گشودگی ذهنی را به‌دست می‌آورد، زمانی که انگیزه‌های صدق به‌اندازه‌ای در وی قوی شده است که دیگر برای بررسی اندیشه‌های بدیل به تلاش و زحمت نمی‌افتد. درباره سایر فضایل نیز وضعیت به همین گونه است.

۳-۱-۴. روش سوم با بررسی مقابله‌ای - شناخت و ارزیابی - سلوک گوناگون بر گرفته از فضایل و ردایل فکری سروکار دارد. بایرلی درباره آموزش این روش استدلال می‌کند: فعالیت‌های آموزشی این روش شامل: الف) آن دسته‌ای می‌شود که سلوک مختلف برای دانشجویان تصویرسازی شده و از آن‌ها درخواست می‌شود که ارزیابی‌های خود را درباره آن

ارائه کنند و سرانجام بررسی کنند که هر یک از این تصاویر مشخصه فضایل فکری بوده یا در مقابل، جزء رذایل فکری هستند؛ ب) توضیح کامل چگونگی ارزیابی آن‌ها از تصاویر و چرایی تصمیمات‌شان (مبنی بر فضیلت یا رذیلت بودن) (Byerly, 2019, p17-18).

اگر فضایل و رذایل به درستی به دانشجویان معرفی شده باشند، می‌توانند آن‌ها را از هم تشخیص دهند. آن‌ها کاملاً می‌فهمند که مردم، از جمله خودشان، چگونه فکر می‌کنند و چه چیزی باعث انگیزش آن‌ها می‌شود. دانشجویان می‌توانند با تفکر درباره مفاهیم فضایل، باعث رشد آن‌ها در خود شوند؛ زیرا ما به‌طور کاملاً طبیعی افکار را با استفاده از آن‌ها در ارزیابی خودمان، به‌سوی خویش معطوف می‌کنیم؛ برای نمونه، می‌توان پرسید: آیا من انسان گشوده‌ذهنی هستم؟ آیا در بیان آنچه گفتم متعصبانه برخورد نکرده‌ام؟ چرا زمانی که افراد خاصی با من صحبت می‌کنند، من به آن‌ها توجه نمی‌کنم؟ در این حالت ذهن من به کجا مشغول است؟ چه چیزی باعث می‌شود من این‌گونه رفتار کنم؟ بررسی رفتار مبتنی بر فضایل و رذایل فکری در بهترین حالت کلمه، قضاوتی است و به دانشجویان معیارهای ارزیابی شخصی را می‌دهد و به آن‌ها قدرت تبعیض اخلاقی را اعطا می‌کند و آن‌ها را در جهت پرورش فضایل فکری در خود هدایت می‌کند. ۴-۱-۴. روش چهارم تمرین و تلاش است. پرورش فضایل فکری بسیار شبیه یادگیری مهارت است. فرض کنید کسی می‌خواهد در زمینه رانندگی، نقاشی، شنا، موسیقی و ... توانمندتر شود. اگر می‌خواهد عملکرد وی در این فعالیت‌ها بهبود یابد، باید تمرین کند. هرچه بیشتر تمرین کند عملکرد وی بهتر خواهد شد. در زمینه آموزش فضایل فکری نیز وضعیت به همین شکل است. اگر ما به دنبال رشد و پرورش فضایل فکری در خودمان هستیم باید اعمالی را که مبتنی بر فضایل فکری هستند انجام دهیم؛ برای نمونه، دانشجویان برای تقویت گشودگی ذهنی باید فعالانه به مطالعه، تحقیق، بررسی و ارزیابی موضوعات گوناگون پردازند. اگر خواهان احتیاط بیشتر در تصمیم‌گیری و رفتارهایشان هستند باید به تمرین تفسیر و تشریح ارتباطات موضوعات و افراد با نگاهی ریزبینانه روی بیاورند و به همین ترتیب برای فضایل فکری دیگر. هدف از روش چهارم و اجرای انواع آن: ۱. ایجاد شرایط مناسب؛ ۲. قرارگیری

دانشجویان در آن شرایط و سرانجام مشاهده؛ ۳. کوشش دانشجویان برای پیاده کردن هریک از فضایل فکری به صورت عملی است (Byerly, 2019, p18). در حقیقت پرورش فضایل فکری مستلزم تلاش بسیار است و ممکن است سال‌ها زمان ببرد. اگر کسی به دنبال این باشد که به سرعت فضایل فکری را کسب کند، سخت در اشتباه است. همان‌طور که برای موفقیت در رانندگی، نقاشی، شنا، موسیقی و... نیازمند تمرین و تلاش بسیاری هستیم، در زمینه پرورش فضایل فکری نیز تلاش و تمرین بسیار لازم است.

۴-۱-۵. پرورش فضیلت فکری از طریق پرورش ذهنیت رشد: ^۱ توجه داشته باشید در بحث یادگیری بسیاری از دانشجویان پس از رویارویی با سختی کار و شکست، از انجام آن کار دست می‌کشند. در مقابل برخی دیگر با ناملایمات مقابله می‌کنند و به کار خود ادامه می‌دهند. آن‌ها بر این باورند که می‌توانند بهتر عمل کنند. آن‌ها بر روی نقاط ضعف خود کار می‌کنند و می‌کوشند آن‌ها را برطرف سازند. کارول دوک ^۲ این امر را ذهنیت رشد می‌نامد (Dweck, 2006, p6-7). منظور از ذهنیت رشد این است که شخص ظرفیت فکری خود، یعنی دانش‌ها و مهارت‌های ذهنی خود را با تلاش تغییرپذیر می‌داند. به سخن دیگر، زمانی که وی عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهد نمی‌گوید استعداد وی ضعیف است و دست از کار نمی‌کشد، بلکه در عین پذیرش نقاط ضعف خود، بیشتر کار می‌کند تا عملکرد بهتری داشته باشد و با این ذهنیت، رفته رفته عملکرد او بهبود می‌یابد. ذهنیت رشد در موفقیت دانشجویان نقش اساسی دارد و به آن‌ها کمک می‌کند تا در چالش‌های تحصیلی پایداری ورزند، نقاط ضعف فکری خود را ارزیابی کرده و آن‌ها را برطرف کنند. در مقابل، کسانی که ذهنیت ثابت دارند، درباره هر عملکردی قضاوتی دارند و این امر باعث می‌شود وقتی به کار یا مسئله دشواری برخورد می‌کنند که از عهده آن بر نمی‌آیند به صورت نامحسوسی از انجام آن کار دوری می‌کنند؛ برای نمونه، کسانی که دارای ذهنیت ثابت هستند، وقتی در درسی ضعیف‌اند، از شرکت در کلاس آن درس

-
1. Growth Mindset
 2. Carol Dweck

دوری می کنند. در مقابل، ذهنیت رشد به دانشجویان این امکان را می دهد که بدانند با تلاش بیشتر می توانند پیشرفت کنند (King, 2021, p122). آن ها به اشتباهات خود اعتراف می کنند و ذهن آن ها بر روی حقایق باز و گشوده است و از پذیرش دیدگاه صحیح دیگران خشنود هستند. برای اکتساب حقیقت، خطرهای عقلانی می کنند.

۴-۲. منابع آموزشی برای آموزش فضایل فکری در کلاس های درس منطق

بخشی از پرسش ارائه شده در ابتدای بخش سوم - چگونه می توانیم فضیلت فکری را آموزش دهیم؟ - با بهره گیری روش هایی مانند آموزش مستقیم مفاهیم، ارائه الگوهای انسانی، بررسی مقابله ای سلوک گوناگون برگرفته از فضایل و رذایل فکری، تمرین و تکرار و سرانجام خودارزیابی پاسخ داده می شود. بخش دیگر این پرسش مربوط به منابع آموزشی مرتبط با این کلاس هاست.

فرض می کنیم که شما می خواهید از رویکرد پیشنهادی این مقاله در آموزش مفاهیم کلاس های منطق و تفکر نقادانه خود بهره ببرید. شما قصد دارید مفاهیم و موضوعات گوناگون را در این نیم سال تحصیلی پوشش دهید. شما همچنین بنا دارید از این پنج روش آموزشی در کلاس ها استفاده ببرید. به راستی کدام یک از منابع درسی موجود پاسخ گوی نیاز شما خواهد بود؟ و به ویژه چه مطالبی را به دانشجویان خود عرضه خواهید کرد؟ از آنجا که معرفت شناسی فضیلت رویکرد نوینی است و به تازگی در رشته های دیگر همچون پزشکی، سیاست و اقتصاد به کار گرفته می شود، هنوز منبعی که بتواند پرسش ها و مطالبی را که در این مقاله بیان کردیم داشته باشد، در زمینه منطق وجود فیزیکی ندارد. اگر کسی بتواند کتابی را تألیف کند که این هدف را برآورده سازد، خدمت بزرگی به علم و معرفت انجام داده است (Byerly, 2019, p20-21). در ادامه به معرفی مختصر دو کتاب می پردازیم که تا اندازه ای به این نمونه آرمانی نزدیک می شوند.

۴-۲-۱. کتاب *تفکر انتقادی* اثر لیندا الدر و ریچارد پل که توسط اکبر سلطانی و مریم

آقازاده به فارسی ترجمه شده است (الدر و پل، ۱۳۹۹). این کتاب مبتنی بر فرایند تصمیم گیری است که در بسیاری از کتاب های درسی منطق دیده نمی شود. مفاهیم اساسی این کتاب بر

تفکر غیر متعصبانه اشاره دارند و متفکران تعصب گریز را به کاربرد اصطلاحاتی مانند شجاعت فکری، تواضع فکری، صداقت فکری، پشتکار فکری و استقلال فکری ترغیب می کند. کاستی این کتاب عدم اشاره جامع به منطق قیاسی و منطق استقرایی است.

۲-۲-۴. کتاب منطق کاربردی اثر علی اصغر خندان که با رویکردی کاربردی به بحث درباره تعریف و استدلال می پردازد. همچنین مغالطات غیر صوری متعددی نیز به عنوان نمونه رذیله فکری در ادامه مطالب آمده است. تمرینات و فعالیت های گوناگونی در این کتاب مطرح شده است که عموماً به بررسی مقابله ای با رذایل فکری می پردازد. از کاستی های کتاب یاد شده این است که به معرفی فضایل فکری نپرداخته و هیچ ذکری از روش ها و فنون آموزش و تقویت این فضایل به میان نیامده است.

بی گمان الزامی نیست که استادان تنها از یک کتاب و منبع درسی در کلاس های خود بهره ببرند. توصیه می شود برای شروع کار مقاله ای در این زمینه گردآوری یا نگاشته شود و به صورت آزمایشی در کلاس های درس منطق تدریس گردد تا کتابی در این زمینه نگاشته شود.

نتیجه

در ایران رویکرد رایج در آموزش منطق به دانشجویان کارشناسی متمرکز بر منطق صوری و استدلال های قیاسی (رسیدن از کل به جزء) است که مباحث تعریف، تقسیم، قضیه، تمثیل و استقراء و گاهی مبحث صناعت خمس و مغالطه های صوری و غیر صوری نیز در کنار مبحث قیاس تدریس می شود. منطق دانشی است که موضوع آن استدلال است و هدف از آن رسیدن به حقیقت و جلوگیری از بروز خطا در اندیشه است. اغلب کسانی که مهارت های منطقی را می آموزند بر این باورند که با مطالعه کتاب های رایج منطقی که در دانشگاه ها تدریس می شوند این امر محقق نشده است. هدف ما در این مقاله، ارائه طرحی برای آموزش فعالیت های فضیلت فکری در کلاس های منطق است که براساس آن آموزش فضایل فکری به همراه مهارت هایی همچون استدلال و استنتاج مباحثات در کلاس های درس منطق انجام شود و این هدف را محقق

سازد. بدین منظور در گام نخست به رویکرد متعارف و رایج مباحث و منابعی درس منطق پرداخته و بیان کردیم که محتوای اغلب این کتاب‌ها یکسان است و محور اصلی بحث آن‌ها استدلال قیاسی است. سپس توضیح مختصری درباره معرفت‌شناسی فضیلت و فضیلت فکری ارائه کردیم و فضیلت‌های فکری کنجکاوی، گشوده‌ذهنی، تواضع فکری، شجاعت فکری، استقلال فکری و همدلی فکری را به صورت مختصر توضیح دادیم. در گام دوم به چرایی و ضرورت بحث از فضایل فکری در کلاس‌های درس منطق پرداخته و استدلال کردیم که: الف) ادبیات فضیلت فکری، توصیف مناسبی برای تحقق هدف منطق فراهم می‌آورد؛ ب) در صورت به کارگیری و آموزش فضایل فکری در درس منطق، عملکرد بهتری از دانشجویان در فرایند یادگیری خواهیم دید؛ ج) با مهارت‌ورزی در زمینه فضایل فکری دانشجویان استدلال‌ها و استنتاج‌ها را آسان‌تر انجام می‌دهند و انگیزه آن‌ها برای یادگیری این مهارت‌ها بیشتر می‌شود. در گام سوم به چگونگی به کارگیری این رویکرد با استفاده از مهارت‌ها و فنونی که فیلسوفان ارائه کرده‌اند پرداخته، پنج روش آموزش مستقیم مفاهیم فضیلت فکری و رذایل مقابل آن، الگوهای انسانی، سلوک‌های گوناگون برگرفته از فضایل و رذایل فکری، تمرین و تلاش و پرورش ذهنیت رشد را برای تقویت و پرورش فضایل فکری مطرح کرده و منابع آموزشی و پیشنهادهایی نیز در این زمینه ارائه کردیم. نکته پایانی اینکه روش‌هایی که برای پرورش فضایل فکری مطرح شده‌اند منحصر به این پنج روش نیستند. همچنین این روش‌ها تضمینی هم نیستند، بلکه راهکارها و مهارت‌هایی هستند که به دانشجویان کمک می‌کنند تا این فضایل را در درون خود پرورش دهند. این مهارت‌ها را نیز صرفاً نمی‌توان با گوش دادن در کلاس درس به دست آورد، بلکه نیازمند تلاش و تمرین است تا در انسان ملکه شوند.

منابع

۱. ارسطو، ۱۳۸۱، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ازهای، محمدعلی، ۱۳۹۴، *مبانی منطق*، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سمت.
۳. افلاطون، ۱۳۸۰، *دوره آثار افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ سوم، تهران، انتشارات خوارزمی.
۴. الدر، لیندا؛ پل، ریچارد، ۱۳۹۸، *آشنایی با هنر پرسشگری براساس تفکر انتقادی و اصول سقراطی*، ترجمه علی صاحب‌زمانی، چاپ دوم، تهران، نشر اختران.
۵. _____، ۱۳۹۹، *تفکر انتقادی*، ترجمه اکبر سلطانی و مریم آقازاده، چاپ سوم، تهران، نشر اختران.
۶. باتلی، هتر، ۱۳۹۷، *فضیلت: بررسی‌های اخلاقی و معرفت‌شناختی*، ترجمه امیرحسین خداپرست، تهران، نشر کرگدن.
۷. پرست، گراهام، ۱۳۹۸، *منطق*، ترجمه بهرام اسدیان، چاپ چهارم، تهران، نشر ماهی.
۸. خداپرست، امیرحسین، ۱۳۹۷، *باور دینی و فضیلت فکری: تحول اخلاق باور دینی در تعامل با معرفت‌شناسی فضیلت‌گرایانه زاگزبسکی*، تهران، انتشارات هرمس.
۹. خزاعی، زهرا، ۱۳۹۴، *معرفت‌شناسی فضیلت*، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. خندان، علی‌اصغر، ۱۳۹۱، *منطق کاربردی*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت و طه.
۱۱. خوانساری، محمد، ۱۳۸۸، *منطق صوری*، چاپ چهل و دوم، تهران، انتشارات آگاه.
۱۲. _____، ۱۳۹۱، *دوره مختصر منطق صوری*، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی با مقدمه مصطفی ملکیان، تهران، مؤسسه فرهنگی طه.
۱۴. قاضی مرادی، حسن، ۱۳۹۸، *درآمدی بر تفکر انتقادی*، چاپ سوم، تهران، نشر اختران.
۱۵. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۰، *منطق*، ترجمه و اضافات علی شیروانی، چاپ یازدهم، قم، انتشارات دارالعلم.
۱۶. _____، ۱۳۸۲، *منطق*، ترجمه و اضافات علی شیروانی، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات دارالعلم.
۱۷. _____، ۱۳۸۷، *منطق*، ترجمه و شرح محمود معتمدی و محسن غرویان، تهران، انتشارات دارالفکر.
۱۸. میراحمدی، صادق، ۱۴۰۰، «بررسی اهمیت فضایل فکری در آموزش و چگونگی اکتساب آن‌ها»، *فصلنامه*

تأملات اخلاقی، دوره دوم، شماره دوم، ص ۶۲-۷۸.

۱۹. موحد، ضیاء، ۱۳۸۳، *درآمدی به منطق جدید*، چاپ پنجم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۰. نبوی، لطف‌الله، ۱۳۸۴، *مبانی منطق جدید*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.

21. Aristotle, 1941, *Nicomachean Ethics*, Trans: W. D. Ross, In McKeon.
22. Baehr, Jason, 2011, *Inquiring Mind (On intellectual Virtue and Virtue Epistemology)*, Oxford University Press.
23. ____, 2013, *Educating for intellectual virtues: from theory to practice*, Digital commons @ Loyola Marymount university and Loyal law school.
24. ____, 2016, *Intellectual virtues and Education Essays in Applied virtue Epistemology*, New York and London: Routledge.
25. Barrett, Justin, 2017, intellectual humility: *The Journal of positive psychology*, p1-2.
26. Benson, John, 1987, Who Is the Autonomous Man? "In Kruschwitz and Roberts"
27. Byerly, T. Ryan, 2017, *Introducing Logic and Critical Thinking: The Skills of Reasoning and the Virtues of Inquiry*, Ada. Mich.: Baker Academic.
28. Byerly, T, Ryan, 2019, Teaching for intellectual virtue in logic and critical thinking classes: why and who. *Teaching philosophy* 42:1, pp 1-27.
29. Cerasoli, Christopher and others, 2014, Intrinsic Motivation and Extrinsic Incentives Jointly Predict Performance: *Meta-Analysis. Psychological Bulletin*, 140 (4): 980-1008.
30. Code, Lorraine, 1987, *Epistemic Responsibility*, Hanover, University Press of New England for Brown University Press.

31. Goldman, Alvin, 1992, “epistemic folkways and scientific epistemology” In: *Liaisons: philosophy meets the cognitive and social sciences*, Cambridge: MIT press.
32. ____, 2001, *Liaisons: Philosophy Meets the Cognitive and Social Sciences*, Cambridge. MIT press.
33. Greco, John, 2002, “Virtues in Epistemology” *Oxford Handbook of Epistemology*, ed. Paul Moser (New York: Oxford UP).
34. King, Nathan L, 2021, *The Excellent Mind: intellectual virtues for everyday life*, Oxford University press.
35. Paul, Richard, 2000, “Critical thinking, moral integrity, and Citizenship teaching for the intellectual virtues, In Guy Axtell (ed.), *Knowledge, Belief, and Character: Readings in Virtue Epistemology*, Rowman & Littlefield Publishers. pp. 163—75.
36. Pink, Daniel, 2009, *Drive: The Surprising Truth about What Motivates Us*, New York: Riverhead Books.
37. Roberts, & wood W.J, 2007, *Intellectual Virtues: An Essay in Regulative Epistemology*. Oxford: Clarendon Press.
38. Siegel, Harvey, 2016, “Critical Thinking and the Intellectual Virtues”, in: *Intellectual virtues and Education Essays in Applied virtue Epistemology*, New York and London, Routledge.
39. Sosa, Ernest, 1980, "The Raft and Pyramid: Coherence versus Foundations in the Theory of Knowledge", *Midwest Studies in philosophy*, 5:3-25.

40. ____, 1991, *Knowledge in Perspective*, Cambridge University Press.
41. Zagzebski, Linda, 1996, *Virtues of the Mind: an inquiry into the nature of virtue and ethical foundations of knowledge*, second edition, New York: Cambridge University Press.
42. ____, 2009, *On Epistemology*, Wadsworth, Cengage Learning.
43. Whitcomb, Dennis & others, 2015, “intellectual humility: Owing Our Limitations” *Philosophy and phenomenological Research*, vol. 91, No.1.
44. Wright, Sara, 2009, “the Proper Structure of the Intellectual Virtues”, *the Southern Journal of Philosophy*, Vol. XII. pp 91-111.

